

این دو عقیده و احراز طریقه صواب بسته است باسنتباط قلوب صافیه و اذهان خالیه از عناد و لجاج و از خداوند میطلبیم صلاح و سداد را [فانه خیزه معین] و ما حاصل عقیده خود را در باره حضرت مسیح (ع) مفاد این کریمه مبارکه میدانیم سوره [۳۴] آیه [۵۹] * ان هو الی عبدنا نعمنا علیه و جعلناه مثلاً لِبَنی اسرائیل *



(مدنیة اسلام)



اسلام همان یگانه دین و آراسته قوانینی است که در کمتر زمانی از پست ترین نقاط عالم (از حیث مقتضیات طبیعی) در جاهلترین و وحشی ترین مخلوق رأیت انعقاد افراشت و چنان دایره حقانیتش احاطه با اصول معارف و تکمیل اخلاق و نهذب آن نمود که در زمان قلبی بساده ترین صورت و موثرترین کیفیتی جمیع انصافات حسنه و اخلاق فاضله و درجات علمی و نکات فلسفی را در افراد جامعه خود بجای آن طباع خشنه و اخلاق سپیده و عادات و حشیانه استوار نمود که عواطف عقول حکماء و فلاسفه را در این تغییر آداب که میتوانش از تغییرات ذاتیه و تبدیلات ماهیه شمرد بطرف خود جلب نمود و در اطراف این مرحله که فی الحقیقه بزرگترین خارق عاداتست معروضشان داشت چنانچه (توماس کار لیل) انگلیسی در مجموع خود متعرض این عظمت شده و فی الحقیقه داد سخنوری را داده

اسلام همان یگانه مذهب و رایگانه مصلحی است که جاهلترین مخلوق را در کمتر زمانی از حوض بربریت باوج سعادت مدنیة رسانید. نه بلکه کشانید - اسلام همان قوه الهیه است که از وسط بیابان لم بزرع و صحرای شن زار در سایر

اقطار عالم تشکیل مناظر لطیفه و اما کن راقیه و جوامع غیر معدود داد همان واقعیت و ممانت اسلام بود که اعماق بحار را چون سطحه مستوی و قاعده هموار طی نمود و در قلیل زمانی بپرق عظمت و شوکت خود را در قسطنطنیه . پراکنده و منتشر ساخت و در معبد - آبا صوفیا - پاسگذاری ذات سبحانی را بعمل آورد - معنویت و حقیقت اسلام بود که تشکیل دولتی داد که ملوک جبار و امرای طغاة آسیا و افریقا و قسمتی از اروپا را مقهور و منکوب ساخت - همان اسلام بود که در قومی ساده که از مراحل تمدن و عرفان هزاران فرسنگ دور بودند هزارها - ابن رشد و غزالی - و شیخ الرئیس - تربیت نمود - اسلام بود که بغداد و بصره و بخارا و اسکندریه و قاهره و غرناطه و اشبلیه و قرطبه و اندلس را مراکز علم و مجامع صنعت و بنادر تجارت ساخت و قائمه ترقی و ثروت را در آن اقطار و داشت (مستر چنپیر) انگلیسی در فتوح العرب و کنوز الادب بترجمه عبدالرحمن شیرازی مینویسد که در زمان خلافت عبدالرحمن سوم در اسپانیا مالیات امتعه گمرکی خارجه و جزیه یهود و نصاری معادل بازده کرب و ریره انگلیسی که با واردات جمیع دول اروپا معادل بود بالغ گشت - اسلام است مترجم کتب . اقلیدس . و . بطلمیوس . و ارسطو و سایر حکماء - اسلام است واضع جبر و مقابله و کیمیا و علم زراعت - اسلام است استاد علم تعمیر - اسلام است مخترع صناعات عجیبه و کاشف علوم شریفه - اسلام است که باختراع بندول و ساعت که رشید عباسی برسم هدیه و تحفه برای (شار لگان) سلطان فرانسه فرستاد اوقات ما را مشخص نمود - اسلام است که مجامع عمومی و محافل اصلاح و اتحاد در ممالک و مستعمرات خود تشکیل داد اگر بخواهیم در مقام تعداد مناقب و شرافات اسلام قلمفرسایی نمائیم

[مثنوی هفتاد من کاغذ شود] (مستر چنپر) در تاریخ اندلس مینویسد - الحق
 قلم از تحریر و بیان اینکه عرب چه قدر آداب و رسوم انسانیت و سعادت زندگانی
 همراه خود آوردند و داخل خاک ما کردند و تا چه درجه باعث ترقیات و تربیت
 اروپائیان شدند - عاجز است - اگر عرب بسر داری و ریاست ط- ارق بن زیاد در
 سال (۷۱۱) بکنار جبل طارق فرود نمی آمدند و از آنجا داخل خاک اروپا
 نمیشدند هرآینه معلوم میشود که ما اهالی اروپا چه زیانها در پیش داریم و تا چه
 اندازه از وضعیات مدنی فعلی دور می ماندیم - علم نجوم را از عرب آموختیم -
 جبر و مقابله را از ایشان آموخیم - کلمات حکمت آمیز ارسطو را در فلسفه از عرب
 استفاده نمودیم - اختراعات جدیده در علم تعمیر بلاد و تأسیس پلیس برای حفاظت
 داخلی بلاد و تشکیل کتابخانههای عمومی را از عرب اقتباس نمودیم - بعضی گفتند
 تلگراف و باروت را هم عرب کشف و اختراع نمود - کاغذ سازی و ساعت سازی
 و پرگار از عرب است - تا آنکه میگوید - علاوه بر اینها غیرت و مردانگی و شجاعت
 را عرب بآموخت - خلاصه - استیلای عرب در اسپانیا باعث افتتاح راه ها
 و حل مشکلات و اجرای امورات مطلوبه گشت - دکتر گوستاولون - فرانسوی مؤلف
 کتاب - حضارة العرب - و کتاب سر تطور الامم مینویسد - گرچه قلبی از
 امم در ارتقاء بعالم مدنیّت بر عرب فایز آمدند لیکن هیچ امتی در این مدت قلبیه
 بدرجه عرب که مراحل تمدن را سر بعلی نمودند نرسیده است - از حیث
 دیانت - دینی را تأسیس نمودند که اقوامی از هر دیانتی است که در قلوب اهل عالم
 مؤثر واقع شده - و از حیث و جنبه سیاست تشکیل مملکت و سبعی دادند که از
 صفحات تاریخ مشهود است و کافی است در بیان اعمال و افکار اساسی و

اربی اعراب و نهایت تمجید از آن است اینک بگوئیم - آنها ارو پارا متمدن نمودند ﴿ شبلی شمیم ﴾ که میتوان قطب دایره جدیده اثن شمرد - در تضایل اسلام منشورات و اشعار و قصایدی سروده من جمله از منشورات او اینست

(قرآن مشتمل است بر اصول عزت جامعه عامه و صلاحیت دارد که در هر زمان و هر مکان تمسک بآن و پیروی از آن شود و از قصاید او است این اشعار

دع من محمد فی صدی قرآنه	ما قد نهاه الحمیة الغایات
انی و ان اکُ قد کفرت بدینه	هل اکفرن بمحکم الایات
نعم المدبر و الحکیم و انه	رب الفصاحة مصطفی الکلمات
رجل الحجار جل السیاسة والدها	بطل حلیف النصر فی الغارات
ببلاغه القرآن قد خلب النهی	و بسیفه انحی علی الهامات
من دونه الابطال فی کل لوری	من غائب او حاضر او آت

در اطراف این موضوع از طرف دیگران از قبیل (صال) انگلیسی و (تولستوی) روسی و (مونتیه) فرانسوی و غیر هم از حکماء شرق و غرب از این گونه بیانات صادر و صفحات منشورات و منظومیات آنها از تضایل و محسنات اسلام مملو است

آنها ترقیات و عزت و سطوت اسلام نبود مگر از پرتو عمل و کوشش و پیروی از قوانین مقننه اسلامیة - و اسفا - !!! - اینک همان مجد و عزت اسلام است که در این عصر بنحمول و خاری مبدل گشته - همان یگانه اسلام است که فسخه شوکتش مبدل بزایفه عزت گشته و مراکز حکومتش منحل گردیده -

همان دین حنیف است که اکنون عظمت و جلالش خبری از اخبار کشته!

- * (علي ديار من الاسلام خالصة) * (قد اقرت وله ابا الكفر عمران)
- * (حيث المساجد قد صارت كنايس ما) * (فيهن الا نوا قيس و صلبان)
- * (حتى المحارب بتكى وهى جامعة) * (حتى المنابر ترثي وهى عيدان)

همان مسلمانان غیور که در سطوت اسلام قطعه دنیا را محکوم خود ساخته و بر نقاط عالم فرمان فرما بودند حال ذراری آنان در عین ذلت و در گرداب نخب غرق و در صحرای لوت با حالتی اسف آور سرگردانند

- * (له في لذلة قوم بعد عزمهم) * (احسان حال لهم، جور و طغيان)
- * (بالامس كانوا ملوكا في منازلهم) * (والايوم هم في بلاد الكفر عيدان)
- * (فلو تر بهم حيارى لا دليل لهم) * (عليهم في نيباب السذل الوان)

این بدنحقی که صفحات روزگار اسلامیان را تیره و تار گردانیده، نیست مگر نتیجه خون سردی و شرفی شروانی و عدم پیروی از قورائین شریعت مطهره (ان الله لا یغیر ما بقوم حتی یغیر و اما بانفسهم) - بالاسف!! جاهلیت قبل از بعثت با جاهلیت فعلی قابل مطابقت و طرف مقایسه نمیتوان بود اگر اهل آن جاهلیت در آن عصر توحش و منتهای بربریت بمنافیات تمدن متصف بودند حیثیت جاهلیت این عصر جدید اکمل است زیرا با اینکه درخشنده کی این قرن زوایای هر کورده هی راروشن و منور ساخته اغلب اهل عصر با انواع قبایح عامل و اقسام فضایح را مرتکبند - اگر اهل جاهلیت سابقه بت پرست بودند جهلائی این عصر بندگان شهوات نفا نیه و ترهات و همیه اند که هزاران درج، بدتر و افضح است - اگر جاهلیت سابقه

تفرق در شعوب و قبایل را فراهم میساختند - جاهلیت فعلی تفرق بین احاد و افراد را طالب و بلسان اظهار تمدن مینمایند

ماذ النطاق فی الاسلام بینکم ، [***] (***) [و انتم ، یا عباد الله اخوان هر گاه جاهلیت سابقه از روی تعصب و غیرت دختران را زنده در گور میکردند - جاهلیت فعلیه از نقطه نظر شهوت رانی کشف حجاب و قطع رسته تناسل را منظور دارند - و ناموس خود را مغلوب و بی احساس و اداشته اند !!!

آخر - چه شد احساسات ما؟ کجا رفت استقامت ما؟ چرا از خواب غفلت بیدار نمیشویم؟ این گرانجانی کی خاتمه خواهد یافت؟ محمد تقی طباطبایی زاده یزدی - نجف

*** (رباعی) ***

از قلم دل موج بر اختر زده ایم * آتش بجهان ز دیده تر زده ایم *
بر سر زده غیر گل زباغ تو و ما * برداشته دست از دل و بر سر زده ایم *



کار محترم انسانی و اطلاعات است



دعوت اسلامی که با قلم حضرت آقای واحدی با سبک و اسلوبی قشنگ و مطالبی سودمند زینت بخش عالم مطبوعات ایران خصوصاً خطه غرب گردیده - اشتراك در آن از علامات معارف پروری و علاقمندی بدیانت است ، زیرا فی الحقیقه دارد و میخواهد حقیقت اسلام را از لوح خامه خویش بمعرض عموم بگذارد - ما نیز از آنجائیکه نسبتاً بحقایق اسلام آشنائیم تا اندازه که قلم بها اجازه دهد در مساعدت با این راه مقدس خود را وظیفه دار میدانیم و فعلاً باین چند سطر